

کپی برداری از فرهادی ادامه دارد

لتیان؛ دوره‌می به صرف حماقت!



ایمان عبدلی

باور رفتار می‌کرد و اصلا شخصیت بود، اما یاسی در اینجا نقش آفرینی سارا بهرامی حتی در حد یک تیپ هم نیست! او همسر رضا است، رضا ۱۰ سال است که یک نقاشی درست و حسابی نکشیده‌اند و لحاظ مالی وابسته به یاسی است، رضا در همان دو سه شب سفر دائم مست می‌کند و باهذیان گویی خاطر اطرافیان را مکرر می‌کند، ظاهراً چیزی برای مهم‌نیست، باری به هر جهت وبی تفاوت رفتار می‌کند.

یاسی تعمداً مانی را به سفر آورده، حضور مانی که سال‌ها ایتالیا بوده از آن جهت قابل ملاحظه است که همسر سابقش، سلما با نقش آفرینی پریناز ایزدیار به همراه نامزد فعلی اش رضا با بازی امیر جدیدی هم در سفر حضور دارند، مشخص نیست سلما چرا چنین خطری کرده؟ آن هم در حالی که مانی هنوز گوشه چشمی به همسر سابقش دارد.

این انگیزه سلما از این ترکیب

مخاطره‌برانگیز در یک دوره‌می چه بوده تا آخر سفر پنهان می‌ماند چیزی که مثلاً در درباره‌الی فرهادی درباره شخصیت گلشیفته واضح بود و از همراه آوردن توامان احمدوالی، نوعی وصال را مدنظر داشته، یعنی توجیه چنین تصمیمی علی‌رغم دوران پیشانی نبودنش، در داستان ایجاد شده بود. اینجا اما همه چیز خیلی بدون دلیل اتفاق می‌افتد، ابتدای متن که نوشتم چگونه عوامل فیلم با چنین قصه‌ای کنار آمده‌اند؟ آیا آن‌ها در طول مراحل ساخت فیلم این قصه را مرور نکرده‌اند؟ برای خودشان این پرسش پیش نیلده که چگونه یک جمع دوستانه می‌توانند تا این اندازه احمق و کودن باشند؟ این‌ها مگر آدم‌هایی از جنس طبقه متوسط جامعه ایرانی نیستند؟ به هر حال یکی نقاش است، یکی عکاس بوده و ساکن ایتالیا هر کدام در سطحی از ادعا هستند، اما در روابط به اندازه‌مجانین هم رفتار نمی‌کنند.

ماجرای «لتیان» از این قرار است که جمعی از رفقای بعد از مدت‌ها دور هم جمع شده‌اند، به هم می‌بوی که به شدت شخصیت گلشیفته در «درباره‌الی» را به خاطر می‌آورد. با این تفاوت که کاراکتر گلشیفته در اینجا مطابق با لگوهای قابل

مانی، همسر سابق سلما بوده! این را یاسی به کنایه به مریم می‌گوید، کمی بعدتر در جلد مریم و یاسی در آشپزخانه ویلا، این بار مریم دلیل این هم‌نشینی احمقانه که به همت یاسی انجام شده را عشق غیر قابل انکار یاسی به مانی عنوان می‌کند. یعنی یاسی می‌دانسته چنین هم‌نشینی میان یاسر و مانی ریسک زیادی دارد، اما فقط برای این که چند روزی مانی را کنارش داشته باشد تر تیب این سفر را داده!

اصلاً چرا در تیپ طبقاتی آدم‌های با این مختصات، یاسی باید در تعارف زندگی با رضا بماند؟ از آن گذشته این مانی چلفتی و بی دست و پا که حتی از یک حرف زدن سساده در میان جمع ناتوان است، چگونه آنقدر برای مریم و یاسی جذاب است؟ آدمی که به گفته همسر سابقش، سلما، او را با یک بچه در شکم‌ها کرده و در نهایت خودخواهی به ایتالیا سفر کرده و حتی در جای دیگری به قول رضا، فریفته چهار تمجد دختران

جوان شده و فیلش یاد هندوستان کرده! چنین شخصیت ناپایدار و بی وفالو الکتی چگونه و چرا آنقدر محبوب زن‌های این فیلم است؟

گمان نکنید در تو در توی قصه مانده‌ام و مته به خش‌خاش می‌گذارم، نه! اما وقتی درباره قصه‌ای حرف می‌زنیم که درباره روابط میان آدم‌هاست و اصلاً داستانش را در یک محیط محدود تعریف می‌کند و خواسته و ناخواسته و البته به درستی تمرکز روی آدم‌های داستان شکل می‌گیرد، پس منطق روایی و شخصیت پردازی مهم‌ترین ارکان داستان است. اینجا که با یک جهان فانتزی طرف نیستیم، اینجا همه چیز درباره و برای آدم‌هاست، حتی در اثری مثل «بین‌بستان‌های» نولان که فضا و فضای خودش به اندازه کافی متحیرکننده و قانع‌کننده است تا جایی و تامادامی که آدم‌ها نفس نداشته باشند و قدرت جذب و همدلی ایجاد نکنند، درام ساخته نمی‌شود تا درام ساخته نشود.

انگار چند کارت پستال می‌بینیم، بدون هیچ درگیری ذهنی و بدون هیچ کنشی که اتفاقات را دراماتیزه کند تا در ذهن ماندگار شود.

افسوس که «لتیان» یک بن‌مایه‌ی غلیظ فرامتنی هم داشت و می‌توانست با جاری کردن آن در میان داستانش، اثری خاص در اکران این روزها باشد، همان چیزی که چندبار در میانه‌صحبت‌های رضا و مانی شنیدیم و اشارات بود به تقابل که‌نه میان ثروت و قدرت از یک سو و نهاد و روشنفکری از سمت دیگر، یاسر دارنده قدرت و ثروت است، به فیزیکش بیشتر از ذهن اهمیت می‌دهد، تعلقاتش مثل همان ساعت لاجری که او را از دعوا گریزان کرده، او لویت دارد بر نمایش و یا حتی اجرای شوی «غیرت». از آن طرف «مانی» نماینده تیپ روشنفکر هاست، که ای کاش آنقدر قبیح طراحی و اجرا نشده بود. او اگر درست پرداخت شده بود می‌توانست تکمیل‌کننده دو قطبی قابل توجه «روشنفکر-قدرت» باشد. این

انگار هر قسمت از این فیلم را کسانی متفاوت معطل دوربین به دست که انگار کلاچر اختلال روانی ست! در سر تاسر فیلم چه می‌کند؟ در نقد «امید» یک قدم جلوتر می‌روم، اگر نقش او در میز تدوین حذف می‌شد، واقعا کجای داستان مختل می‌شد؟

اشاره بیشتر از آن جهت بود که نشان دهم سر در گمی در ساخت یک فیلم چگونه می‌تواند چیزهایی قابل توجه و مستعد برای گسترش در یک پروژه را تلف کند.

نبود هم‌نشینی سازنده میان همان ایده‌ای که در بالا وصفش رفت با مثلاً وجود کاراکتر مضحکی مثل امید که خواهرزاده یاسی است و دائماً دوربین به دست دارد، وجود فیلم را پریشان نشان می‌دهد، انگار هر قسمت از این فیلم را کسانی متفاوت ساخته‌اند.

آن نوجوان معطل دوربین به دست که انگار کلاچر اختلال روانی ست! در سر تاسر فیلم چه می‌کند؟ چه چیزی را جلو می‌برد؟ آیا این که یک بار دوربین او به یاسر ثابت می‌کند که مانی، چشم به سلما دارد، برای او شان و خاصیت کار کردی ساخته؟ در نقد «امید» یک قدم جلوتر می‌روم و اصلاً فرض می‌گیرم، نقش او در میز تدوین حذف می‌شد، واقعا چه اتفاقی برای فیلم می‌افتاد؟ کجای داستان مختل می‌شد؟

آخر یادداشت را با نقد کاراکتر عجیب مریم و یک پرسش زنانه تمام می‌کنم، چند درصد از شما با خانمی که به همسر شما چشم دارد، حاضر به رفاقت می‌شوید؟ چند درصدتان رفاقت را ادامه می‌دهد؟ این فیلم‌ها از کدام ذهن بیرون می‌آید؟ آیا واقعا کنایه‌برانگیزی این داستان را نوشته‌اند؟ از پاسخ می‌مانم!

پرده نقره‌ای

نمایش «دختر آبی» در جشنواره «زین»

به تازگی اعلام شده است که فیلم «دختر آبی» در جشنواره فیلم «زین» در بخش «پانوراما» به نمایش درمی‌آید. به گزارش ایسنا، فیلم «دختر آبی»، نخستین اثر بلند کیوان مجیدی، مستند - درامی است که عشق کودکان روستایی در میان صخره‌ها در کوه‌های کردستان ایران و تلاش آنان در دوره برگزاری جام جهانی روسیه برای ساخت زمین فوتبال که در آن بازی کنند را به تصویر می‌کشد. این فیلم را که به زبان کردی، با بهره‌گیری از حضور اهالی کردستان در پشت و مقابل دوربین، در فضایی کاملاً بومی ساخته شده است، یوسف اسدی و کیوان مجیدی تهیه کرده‌اند. فیلم «دختر آبی» که بخش بین‌المللی آن به عهده شرکت ایریماژ است، در جشن تولد شصت سالگی جشنواره فیلم کودک و نوجوان زین که از ۱۴ تا ۲۰ شهریور ماه سال جاری در جمهوری چک برگزار می‌شود، به نمایش درمی‌آید.

دعوت جشنواره فیلم «تیرانا» از ۵ فیلم ایرانی

همچند همین جشنواره بین‌المللی فیلم «تیرانا» در کشور آلبانی، پنج فیلم کوتاه ایرانی را در بخش رقابتی و غیررقابتی در برنامه نمایش خود قرار داد. در این رویداد سینمایی که از تاریخ ۱۹ تا ۲۵ سپتامبر (۲۹ شهریور تا ۴ مهر) و به صورت آنلاین در کشور آلبانی برگزار می‌شود، فیلم کوتاه «ناطق» ساخته مهرشاد نجیر در بخش رقابتی آثار دانشجویی به روی پرده می‌رود. بخش آثار دانشجویی جشنواره فیلم «تیرانا» مورد تأیید آکادمی اسکار است و برنده این بخش برای حضور در جوایز اسکار به آکادمی معرفی خواهد شد. در بخش رقابتی فیلم‌های کوتاه نیز «متحان» ساخته سونیا حداد، «فقل» به کارگردانی علی جوان و «شاهد» ساخته علی عسگری (محمول مشترک ایران و فرانسه) حضور دارند. همچنین فیلم کوتاه «اسب سفید بالدار» به کارگردانی مهیار ماندگار در بخش غیررقابتی «دنیای جدید» این رویداد سینمایی حضور خواهد داشت. مستند «کودتای ۳۲» به کارگردانی تقی امیرانی و محصول آمریکام در بخش رقابتی آثار مستند به روی پرده می‌رود.

انتقاد جامعه صنفی تهیه‌کنندگان از صداوسیما

صداوسیما نمی‌تواند برای شبکه نمایش خانگی تصمیم‌گیری کند

جامعه صنفی تهیه‌کنندگان با حمایت از سخنان بی‌پرده و صریح مدیر اداره نظارت و ارزشیابی درباره شبکه‌نمایش خانگی، خواستار نظارت وزارت ارشاد به‌عنوان متولی امور فرهنگی در کشور به این رسانه تأثیرگذار است. به گزارش خبرنگار ایلنا، جامعه صنفی تهیه‌کنندگان با انتشار یادداشتی از تخریب سریال‌های شبکه‌نمایش خانگی توسط صداوسیما انتقاد کرده و یادآور شده است: رسانه ملی اگر توان جذب مخاطب و ایجاد رضایت در میان بینندگان را داشت باید با بهره‌زینه‌های گزافی که برای سریال‌های تلویزیونی می‌کرد، امروز یکس از پربیننده‌ترین رسانه‌ها باشد که متأسفانه شاهدقت شدید مخاطب در شبکه‌های مختلف این رسانه (بجز شبکه خبر) هستیم. در بخش دیگری از این یادداشت آمده است: صداوسیما چطور می‌تواند برای رسانه‌ای چون شبکه نمایش خانگی، توان تصمیم‌گیری را آن هم بر اساس سلیقه مدیرانی که به‌ندرت ۳ سال در پست خود ماندگار هستند، داشته باشد.

جامعه صنفی تهیه‌کنندگان در پایان این یادداشت افزوده است: در جامعه صنفی تهیه‌کنندگان خواستار فراهم شدن شرایطی به‌دور از هر گونه اعمال سلیقه برای تولیدات شبکه‌نمایش خانگی است تا این رسانه‌ها را بتواند بیش از پیش در خدمت مردم باشد.



تنت؛ شاهکار یا نسخه ضعیف ممنتو؟

«تنت» به کارگردانی کریستوفر نولان یکی از جدیدترین آثار اکشن، علمی تخیلی و دلهره‌آور شرکت برادران وارنر است که حتی پیش از آغاز کرونا، موردانتظارترین فیلم سال بود.

کریستوفر نولان یکی از بهترین فیلمسازان مولف سال‌های اخیر است، کفایت نگاه‌های به کارنامه درخشان نولان از ممنتو، اینسپشن، میان ستاره‌ای تا سه گانه شوالیه تاریکی بیاندازیم، او شش سال اخیر را مشغول اصلاح و بهتر کردن فیلم‌نامه‌ی «تنت» بوده است.

موضوع فیلم «تنت» کمی پیچیده است؛ پروتاگونیست (با بازی جان دیوید واشینگتون) که تنها با یک کلمه «تنت» مسلح است، تلاش می‌کند که برای بقای کل جهان و مردم آن مبارزه کند. او برای محقق کردن این هدف وارد یک ماجراجویی می‌شود و به دنیای گرگ و میش جاسوسی بین‌المللی می‌رود. پروتاگونیست وارد مأموریتی می‌شود که در چیزی فراتر از زمان واقعی آشکار خواهد شد. این ماجرا درباره سفر در زمان نیست؛ بلکه وارونگی است.

شخصیت‌های فیلم «تنت» در این «مکان جدید» در حال تلاش جهت جلوگیری از حادثه‌ی بدی هستند که حتی از فاجعه هسته‌ای نیز به مراتب وحشتناک‌تر است. این شخصیت‌ها در «ندگی پس از مرگ»، زمان و مکان را به شکل جدیدی تجربه می‌کنند.

زمان همیشه در فیلم‌های کریستوفر نولان نقش

منتقد و ایتی نیز می‌نویسد: درست است که فیلم تنت یک جام مقدس نیست، اما پر از مفهوم‌های گیج‌کننده و جذاب، صحنه‌های انفجاری و گران‌قیمت و همچنین سرگرمی‌های مختلف به روش‌های جدید و البته قدیمی است.

از سوی دیگر نمایش کوچکی هم برای برخی رسانه‌ها در کانادا برگزار شد که کسانی که فیلم را دیده‌اند آن را بهترین فیلم نولان از زمان اینسپشن نامیده‌اند و اضافه کرده‌اند: این اثری است که لحظه به لحظه‌اش طرفداران نولان را راضی می‌کند و بازگشت نولان به حوزه قدرتش است، درست مثل این مانی که اسکور سیزی فیلم گانگستری با جان فورد دوباره و سترن بسازند. واکنش منفی منتقد ایندی وایر به «تنت» کریستوفر نولان، مایک مک‌هیل در نقد خود نوشته: